

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Social

ادبی - اجتماعی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان
۳۰ سپتمبر ۲۰۰۸

زکاتِ حُسن

به تو تمکین و صفای زبید
عشوه و ناز و ادا می زبید
مرکز مهر و وفایی، صنما
کمکی، جور و جفای زبید
گهی دل بردن و گه، دل دادن
مهربانی و سخامی زبید
شام گردید و همه منتظرند
حکم افطار، ترامی زبید
گرهلال رخ تو، روزه شکن
به همه دین، بقامی زبید
به تو زکاتِ حُسن، فرض شده
که مرا، نام گدا می زبید
رمضان آمد و رفت، عید رسید
عیدی برما، فقرا می زبید
دست من در طلب تحفه دراز
خیر و خیرات شمای زبید
شب عیدست و ز خون دل من
به دو دست تو، حنای زبید
روزه هموطنان، باد قبول
ز منت، صرف، دعای زبید
حال از شاعر گستاخ، شنو
یادی از کرب و بلا می زبید
ای الاهی! به من الهام فرست
برملا، ریب و ریای زبید

جمعی بنشسته پی (فند ریزنگ)
لقبی ، شیخ و ملامی زبید
ده لک و قرضه با سود ز بانک
جمع ، بی چون و چرا می زبید
کش و چک ایورو و هم دالر و پوند
نیم آن کرده هوامی زبید
وای بر تاجر و ، بر تاجره ها
ز ره دین ، ربامی زبید
بیوه زن ، نان ندارد به وطن
سنگ مسجد ، ز طلا می زبید
خون دل میچکد از چشم یتیم
سر و جانم ، به فدا می زبید
نه شفا خانه و نه مدرسه ای
دانش و علم ، فنا می زبید
ای برادر ، کمی انصاف نما
ترک هر گونه دغامی زبید
ز ره دین ، تجارت تاکی
به شما ، قهر خدا می زبید
علما ! حرف مرا گوش کنید
ترسی از روز جزا می زبید
زائر دل شده اعمار کنید
خانه ای در دوسرا می زبید
« نعمتا » نقد ، به امر علما
حلقه دار ، ترامی زبید